هفته نامۀ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت میکنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

• مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
• مطالب آمده مسترد نمی گردد.
• آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارۀ یازدهم ۲۹ جوزای ۱۳۸۹ ۷ رجب المرجب ۱۴۳۱ - 19 Jun 2010

به مناسبت روز بین المللی مبارزه با مواد مخدر: پیوند مافیای مواد مخدر و تروریسم

کشت تریاک در ۲۳ ولایت افغانستان به صفر رسیده است



اگر کشورهای دنیا واقعاً عزمی برای مبارزه برضد مواد مخدر دارند، باید زمینه های مصرف مواد مخدر و ترافیک آن را در داخل مرزهای خود بگیرند.

ص ۶

تراژیدی محاصره غزه ادامه دارد

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل



بعداز شکست امپراطوری عثمانی ازبریتانیا در طول جنگ جهانی اول ، دولت بریتانیا درسال ۱۹۲۰کنترول نوار غزه وسرزمین های فلسطین را بدست گرفت ،وفلسطین درمجموع تحت قیمومیت بریتانیا قرارگرفت.پس از تشکیل حکومت اسرائیل بعد از ختم جنگ جهانی دوم ، نوار غزه را آرتش مصر به کنترول خود درآورد. درسال ۱۹۴۹ پیمان صلح اسرائیل ،مصر،اردن ،سوریه ولبنان به امضاء رسید.ونوار غزه کما کان تحت کنترول مصر قرار گرفت . بعد از جنگ شش روزه میان اعراب واسرائیل در ۱۹۶۷نوار غزه ازکنترول مصر خارج وتسلط اسرائیل بران اعمال گردید.امروز ۹۹درصد ساکنان غزه را مسلمانان وحدود یک درصد جمعیت آنرا مسیحیان فلسطین تشکیل میدهند . حدود یک و نیم میلیون انسان در نوار غزه زندگی میکنند.بیشترین این فلسطینیان را آعراب پناهنده تشکیل میدهند ،که درطول جنگ اعراب اسرائیل ،بویژه درسال ۱۹۴۸ از اسرائیل خارج شدند ودر نوار غزه اقامت گزیدند. نوار غزه همواره نقاط اسیب پزیر برای اسرائیل بوده،از همین سبب ساکنان آن مورد خشونت وخشم اسرائیل قرار دارد ، فقر ،بیکاری،وشرایط دشوار نامساعد زمدگی از ویژگی های این سرزمین است .از دهه هفتاد به بعد ، ۲۱ شهرک یهودی نشین در حوالی غزه احداث شد ، اما این شهرک ها در سال ۲۰۰۵ تخلیه گردید. نوار غزه در کنار دریای مدیترانه ودر منطقه خاور میانه قراردارد.نوار غزه ازجنوب وغرب بامصروازناحیه شمال وشرق بااسرائیل هم مرز است، پس از نبردهای خونین در سال ۲۰۰۷ م نوار غزه که ۴۱ کیلومتر طو ل دارد ، از تسلط اداره خود گردان فلسطین خارج وکنترول آن به حماس تعلق گرفت .از آن تاریخ به بعد نوار غزه مو رد محاصره اسرائیل قراردارد وورود هرنوع کالا،موادغذای ،ادویه به این سرزمین از جانب اسرائیل ممنوع قرار داده شده است . واین محاصره در حقیت فشاریست که ازجانب اسرائیل ،بالای حماس قرارداده میشود .طوریکه گفتیم محاصره اقتصادی غزه هر روز تنگتر میشود واسرائیل از ورود مواد سوخت واشیای اولیه به داخل غزه ممانعت می نماید همچنان از صید ماهی که یگانه درامد ووسیله حیات روزانه مردمان غزه وفلسطین میباشد ،ازجانب اسرائیل ممنوع قرارگرفته است .وتاحدود شش میل از آب های بین المللی را اسرائیل اجازه نمی دهد تا اهالی فلسطین از ان به صید ماهی بپردازدند . یگانه راهی که غزه میتواند به دنیا خارج راه یابد، معبر رفح است .که هم مرز مصر است گاه گاهی به کمک سازمان مللی متحد این معبر به روی فلسطینیان مریض وغیر قالب علاج بازمی گردد وکاروان های مللی متحد کمکهای انسان دوستانه را به این سرزمین وارد مینمایند .طوریکه سازمان مللی متحد درمورد محاصره غزه گفته است: محاصره غزه تجاوز به کرامت انسانیست. با گذشت هر روز مشکل غزه حاد تر میشود،یکبار موضوع شهرک سازی را درحوالی آن روی دست می گرد وباردیگر به بهانه وجود حرکت حماس انرا ازمدت چهار سال بدینسو به محاصره کشیده است . اسرائیل نه تنها زندگی را درغزه به حالت حفقان درآورده ،بلکه مشکل خاور میانه را عمیق تر ساخته است. در ظرف این سالها ،نه تنها معبر تدارکاتی غزه مسدود گردیده است ،بلکه تحریم اقتصادی وبنبست سیاسی براین سرزمین ص ۵

سفر حامد کرزی به جاپان و تأکید مقامات هر دوکشور به توسعه روابط سیاسی و اقتصادی



حامد کرزی رئیس جمهور کشور طی یک سفر رسمی از کشور جاپان دیدن نمود. وی در ملاقات که با صدر اعظم جاپان آقای(نائوتوکان) داشت، از کمک های آن کشور قدر دانی نموده، ادامه آن را برای توسعه وثبات افغانستان با اهمیت توصیف نمود.

در این ملاقات رئیس جمهور از دست آوردها ونیاز مندی های کشور یاد آور شده، کمک های کشور جاپان را در عرصه های مختلف سودمند دانست.

طرفین با تأکید بر روابط دیرینه، یاد آورشدند که کشور جاپان می تواند، شریک خوب سیاسی واقتصادی در باز سازی افغانستان در دراز مدت بوده باشد.

صدر اعظم جاپان در مورد آخرین تحولات افغانستان صحبت نمود و برگزاری کنفرانس بین المللی کابل را که قرار است یک ماه بعد برگزار گردد، نوید بخش خواند.

کان، بهبود اوضاع امنیتی ورفع فساد را لازمه ادامۀ کمک ها به کشور دانست وتأکید کرد که در موجودیت ثبات ومحو فساد می شود تلاش های جامعه جهانی برای مردم افغانستان، مثمر واقع گردد.

صدر اعظم جاپان افغانستان را کلید صلح برای جهان خواند وخواستار ادامۀ تلاش های سیاسی دولت افغانستان برای برقراری صلح وامنیت گردید.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپه کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

تورلست!

د سولی د ملی مشورتی جرگی په درشل کی د تورلست په هکله او په دی کی د ځینی نومونو د حذفولو موضوع خو را توده شوه.

له دی نه مخکی هم کله نا کله د دی لست په هکله خبری کیدی په تیره د پخلاینی او د خبرواترو د اړتیا په برخه کی. جوته ده چی کله د پخلاینی او د وسله والو مخالفینو سره د خبرو پر ضرورت ټینگار کیږی نو خامخا د دی تورلست خبره منځ ته راځی. که چیری حکومت په دی هکله جدی وي، نو د ښه نیت دځرگندولو لپاره اړینه ده چی ځینی کوټلی گامونه اوچت کړای شی. تورلست او د هغه حذفول د ښه نیت د ثابتولو لپاره لومړی قدم گڼلی شي.

د جرگی نه مخکی او هم د جرگی په ورځوکی په کمیټوکی او له جرگی نه پس د رسینو له خوا دا موضوع توده وه چی تورلست باید لری کړای شي!

په دی هکله باید وویل شی چی:

۱- د وسله والو مخالفینو له خوا هیڅکله داغوښتنه نده شوي او یا خبرو اترو لپاره د یو شرط په توگه نده وړاندی شوی!

۲- د لست په هکله د خبرو او تبصرو په جریان کی د هغوی له خوا نه مثبت غبرگون نده ښودل شوی!

۳- دا لانده معلومه چی مخالفین د سولی لپاره تیاری لری که نه!

۴- ظاهراً خو داسی ښکاری چی دوی د جگړی د اوږدیدو لپاره تیاری نیسی او سوله د دوی په آجندا او پروگرام کی نشته!

۵- هغه کسان چی د لست د حذفولو خبره کوي، معلومه نده چی د ټول لست د حذفولو غوښتونکی دی اویا د ځینی نومونو؟

۶- د نومونو په هکله باید وویل شی چی یو معیار باید موجود وي او په اوله مرحله کی د هغه کسانو نومونه وویستل شی چی په جنایاتو تورن نه دي.

۷- د امنیت د شورا له خوا برابره شوی لست کی د مړو شوو کسانو نومونه هم شته او په وخت سره اصلاح نده شوی! د افغانستان سفارتونو او قونسلگریو ته چی کوم لست لیږل شوی د هغه په سرکی د ملا ربانی نوم شته، کوم چی د طالبانو د وزیرانو د شورا مشر او رئیس و او د هغوی د حاکمیت په وخت کی وفات شوی؟

۸- داسی نومونه هم شته چی اوس مهال د حکومت میلمانه دي او په ملی مشورتی جرگه کی هم برخه اخیستی دي.

۹- دا لانده معلومه چی د جرگی غوښتنه د حکومت لپاره د منلو وړ ده او که نه! اوبیا دا هم نده معلومه چی بهرنیان او د امنیت شورا به دا غوښتنه ومنی؟

کنفرانس کابل

آمادگی ها و چالش ها

ابوبکر سبزوار

قرار است در ۲۹ ماه سرطان کنفرانس بین المللی در کابل گشایش یابد. همانگونه که معمول است اینگونه کنفرانس ها بنام شهری که در آن تدویر می یابد، نامگذاری می شود.

قرار است در این کنفرانس نماینده های بیش از هفتاد کشور جهان و سازمان های مختلف بین المللی از جمله بان کیمون سرمنشی سازمان ملل متحد شرکت کنند و در مورد نحوهء کمک ها به افغانستان تبادل نظر نمایند.

مقامات حکومت افغانستان می گویند که در این کنفرانس در مورد چالش های موجود فراراه بازسازی در افغانستان و راه های مقابله با آن تبادل نظر و بحث صورت خواهد گرفت. محمد آصف رحیمی وزیر زراعت افغانستان می گوید که افغانستان چهار برنامهء ملی دارد که در این کنفرانس ارائه خواهد کرد. این برنامه ها مربوط به وزارت های زراعت، انکشاف دهات، آب وبرق و مبارزه با مواد مخدر می باشد. این برنامه ها باید با هماهنگی تطبیق شوند. وی ابراز امیدواری کرد که تا زمان تدویر کنفرانس، جزئیات کامل این برنامه ها تکمیل و برای ارائه به کنفرانس آماده شود.

این برنامهء ملی به منظور جلب کمک ها وتطبیق آن تحت نظر منابع کمک کننده و نیز بررسی چالش های موجود در این زمینه بمیان آمده است. البته در این مورد بعضی از کشور ها در کنفرانس لندن تعهداتی داشته اند که باید تطبیق آنها در عمل مورد بررسی قرار گیرد.

لازم به تذکر است که در رابطه به کنفرانس کابل، سفارت خانه های خارجی در این شهر نیز مصروف کار اند زیرا نمایندگان کشور های خارجی که به افغانستان می آیند، نیاز به گزارش هایی از سفارت ها و یا نمایندگی های سیاسی شان در کابل در مورد وضع در افغانستان دارند.

انتظار مردم افغانستان از این کنفرانس اینست که در جهت بازسازی بنیادی در کشور ونیز تامین امنیت تصامیم جدی و عملی گرفته شود. شرکت کنندگان جرگهء مشورتی صلح از حکومت افغانستان خواسته بودند تا در کنفرانس کابل به تصامیم این جرگه توجه جدی صورت گرفته و فیصله های این جرگه را در اجندای کنفرانس کابل شامل سازد. در یکی از مواد قطعنامهء این جرگه چنین آمده است:

در جهت کسب حمایت جامعهء جهانی از قطعنامهء جرگهء ملی مشورتی صلح، دولت جمهوری اسلامی افغانستان مکلفیت دارد تا آنرا شامل اجندای کنفرانس کابل نماید.

قبلا ولسی جرگه نیز از حکومت خواسته بود تا در مورد مسایلی که در این کنفرانس روی آن بحث صورت خواهد گرفت ولسی جرگه را در جریان بگذارد. از طرف دیگر مقامات امنیتی کشور تلاش هائی را به منظور تامین امنیت این کنفرانس براه انداخته اند. با توجه به این حقیقت که در موارد مشابه اینگونه تلاش ها بی نتیجه بوده و مخالفین مسلح دولت توانسته اند در مناسبت های مهم دست به اقداماتی به منظور اخلال امنیت بزنند، شکوک و شبهات در مورد تامین امنیت این کنفرانس زیاد است بخصوص که تاکنون جانشینان وزیر داخله و رئیس عمومی امنیت ملی تعیین نشده اند.

بعضی ها به این باور اند که مخالفین مسلح دولت در پولیس و اردوی ملی نفوذ کرده اند و این خود می تواند علی الرغم تمام تدابیر اتخاذ شده، مشکلات امنیتی را موجب گردد اما مقامات امنیتی می گویند با تجاربی که از جریانات جرگهء صلح مشورتی بدست آورده اند، این بار بصورت موثر تر به اتخاذ تدابیر لازم امنیتی خواهند پرداخت.

چنین به نظر می رسد که دولت افغانستان در این کنفرانس پیشنهاد هائی را مطرح خواهد کرد که در مقایسه به گذشته، با خواست های مردم و نیاز های اساسی

انتظار مردم افغانستان از این کنفرانس اینست که در جهت بازسازی بنیادی در کشور ونیز تامین امنیت تصامیم جدی و عملی گرفته شود

کشور هماهنگی دارد. در بخش زراعت ما نیازمند گسترش زمین های تحت کشت هستیم زیرا مساحت زمین های قابل زراعت در کشور در طول صدسال گذشته تغییر چندانی نکرده در حالیکه در این مدت نفوس کشور چند برابر شده است. در کشوری که آب بسیاری از رودخانه هایش بدون اینکه در داخل مورد بهره برداری قرار گیرد به خارج می رود در حالیکه میلیونها هکتار زمین بایر باقی مانده است، این یک فاجعهء بزرگ است.

مشکل میلیون ها کوچی در این کشور که با خود معضلات مهم اجتماعی وسیاسی را بدنبال داشته است از همین مسئله ناشی می شود. باید دولت افغانستان پیشنهاد مهار کردن آب این رودخانه ها را بعنوان یک برنامهء ملی در این کنفرانس ارائه نماید و از کشورهای شرکت کننده بخواهد تا در این زمینه با حکومت افغانستان کمک کنند.

همین اکنون میلیون ها افغان در خارج از افغانستان در حالت مهاجرت بسر می برند که برای کشور های همسایه وجود این مهاجرین مبدل به یک معضلهء اجتماعی و سیاسی شده است. از طرف دیگر رشد بیکاری در کشور نیز موجب گردیده تا شمار زیادی از لشکر بیکاران به لشکر جنگجویان ضد حکومت بپیوندند. خارجی ها با مصرف ملیاردها دالر در بخش نظامی تلاش در بهبود امنیت در افغانستان دارند در حالیکه تجربهء دهها سال جنگ در این کشور نشان داده که این معضله راه حل نظامی ندارد و تکیهء یک جانبه به راهبرد نظامی جز اینکه این مشکل را طولانی تر سازد، نتیجهء دیگری ندارد.

مواد مخدر نیز معضله ای است که تا حد زیادی به ضعف در سکتور زراعت رابطه می گیرد. اگر ما بتوانیم اصلاحاتی را در این سکتور وارد آوریم که بهره وری زمین بالاتر برود و مصارف کمتر شود، این وضع می تواند به تشویق دهقانان برای روی آوردن به کشت محصولات دیگر منجر گردد اما چنین کاری نیز بدون وارد آمدن تغییر در سیستم اقتصادی موجود ممکن نخواهد بود که بنام بازار آزاد حتی به رشد تولید مواد مخدر در افغانستان کمک می کند.

درکنفرانس های گذشته اکثر روال کار طوری بود که مسایل متنوعی بعنوان اولویت ها در افغانستان ارائه شد که حتی کشور های دونر هم بصورت دقیق نتوانستند درک کنند که در کدام بخش ها باید کمک کرد. بهتر است در این کنفرانس مسایل به شکل متمرکز تر مطرح گردد تا لااقل در یک بخش تاثیرات مثبت و ملموس به بار آورد.



در مورد عملیات قندهار یک پرسش اساسی وجود دارد و آن این که، چرا باید در این مورد با سران قوم مشوره صورت گیرد در حالی که در موارد مشابه از مردم مثلا در ولایت هلمند پرسشی به عمل نیامد. شاید بعضی ها به این باور باشند که، دلیل این امر توجهی است که کرزی به قندهاردارد اما یک دلیل دیگر اینست که قندهار از دیگر ولایات افغانستان فرق دارد.

عملیات قندهار،در مواجهه با چالش ها

وحید مژده

رئیس جمهور کرزی برای دلجوئی از قربانیان یک مراسم عروسی در ولسوالی ارغنداب ولایت قندهار که در آن بیش از یکصد نفر غیرنظامی شامل زنان و کودکان کشته و مجروح شدند، سفری به قندهار داشت و در این سفر وی در اجتماع بزرگان قومی این ولایت در مورد عملیات نظامی در ولایت قندهار سخن گفت. رئیس جمهور در این اجتماع گفت که عملیات در قندهار به رهبری نیروهای افغان صورت خواهد گرفت و نیروهای خارجی در آن نقش پشتیبان را ایفا خواهند کرد. کرزی این سخنان را درحالی برزبان آورد که جنرال استانلی مک کریستال هم در مجلس حضور داشت که بصورت غیرمستقیم نمایانگر نقش این نیروها در عملیات بود.

این درحالیست که رئیس جمهور در سفر قبلی خود به این ولایت به بزرگان قومی اطمینان داده بود که تا زمانی که آنها راضی نباشند، این عملیات صورت نخواهد گرفت. بعدا اعلام شد که این عملیات به پیمانهٔ کوچکتر از آنچه که قبلا برنامه ریزی شده بود براه خواهد افتاد. کرزی این بار از مردم نخواست تا موافقت یا مخالفت شانرا با این عملیات بیان کنند بلکه در تلاش آن شد تا از مردم، قول همکاری در این عملیات بگیرد.

تعویق عملیات در قندهار شکوک و شبهاتی را بمیان آورد که برنامهٔ از قبل پیشبینی شدهٔ ناتو با مخالفت رئیس جمهور کرزی برخورده و امریکائی ها از این امر ناراضی اند. در یک مورد اعلام شد که عملیات قندهار از شکل عملیات نظامی به عملیات بازسازی تغییر ماهیت داده است.

سخنان اخیر رئیس جمهور در قندهار که عملیات انجام خواهد شد و مردم باید با نیروهای مسلح افغان همکاری کنند، نشان داد که سرانجام حامدکرزی ناچار به قبول عملیات شده اما برای اینکه نزد مردم بی اعتبار نشود، می گوید که این عملیات توسط افغانها و به پشتیبانی خارجی ها صورت می گیرد. او در این جلسه باربار از حاضران مجلس قول همکاری با نیروهای خارجی و افغان گرفت.

رئیس جمهور به مردم قندهار قول داد تا بند آبگردان دهله بروی رود ارغنداب را بازسازی نماید و مشکل برق ولایت قندهار را حل کند. اما در مقابل مردم نیز باید با نیروهای خارجی و افغان در این عملیات همکاری نموده و در شناسائی و دستگیری کسانی که مخالف دولت و امنیت قندهار اند بصورت جدی همکاری نمایند.

یک روز بعد از این سفر بود که طالبان با انفجار یک بمب عبدالجبار ولسوال ارغنداب را همراه با پسر و دریورش به قتل رسانیدند. این قتل بوضوح هوشداری بود به بزرگان محلی در قندهار که طالبان توان کشتن کسی را که از امکانات کافی برای تامین امنیت خویش برخوردار است دارند، پس دیگران که بادی گارد و سلاح ندارند باید حساب کار خود را بکنند.

اما خارجی ها نیز از مدتها قبل در مورد اینکه این عملیات باید چگونه براه افتد و چه ابعادی را در بر بگیرد، بصورت کامل ابراز نظر نکرده اند. در بعضی موارد نیروهای خارجی، ایران را متهم به دادن سلاح به طالبان برای مقابله با عملیات قندهارنمودند. طالبان نیز تلاش نمودند تا عملیات خود را در جاهای دورتری متمرکز سازند تا این عملیات به تعویق بیفتد. آنها طی یک حملهٔ وسیع ولسوالی برگ متال ولایت نورستان را از چنگ نیروهای حکومتی خارج کردند و گزارش هایی در دست است که از طریق این ولسوالی در حال بازکردن راههای ارتباطی بسوی بدخشان و لغمان اند. هرچند قبل از جرگهٔ صلح مشورتی حکومت اعلام نمود که برگ متال را دوباره از دست مخالفین گرفته است اما به نظر نمی رسد که چنین اتفاقی افتاده باشد.

از طرف دیگر عملیات طالبان در چند هفتهٔ اخیر به کشته شدن بیش از سی تن از نظامیان خارجی منجر شده و گفته می شود که طالبان سلاح های جدیدی بدست آورده اند که توان مقابله با حملات هلی کوپتر های ناتو را دارند.

در مورد عملیات قندهار یک پرسش اساسی وجود دارد و آن اینکه چرا باید در این مورد با سران قوم مشوره صورت گیرد در حالیکه در موارد مشابه از مردم مثلا در ولایت هلمند پرسشی بعمل نیامد. شاید بعضی ها به این باور باشند که دلیل این امر توجهی است که کرزی به قندهاردارد اما یک دلیل دیگر اینست که قندهار از دیگر ولایات افغانستان فرق دارد. این ولایت پایگاه مستحکم طالبان است و عملیات در آنجا بدون تلفات وخسارات بزرگ جانی و مالی به طرفین جنگ و مردم غیرنظامی ممکن نیست. قبلا زمانیکه جنرال دیوید ریچارد فرماندهی نیروهای خارجی را در افغانستان بعهده داشت، عملیات در ولسوالی ژیری به کشتار وسیع غیرنظامیان انجامید و موقعیت طالبان را در میان مردم این منطقه مستحکمتر کرد.

بعضی ها به این باور اند که چون قبلا ناتو اعلام داشته که بدنبال عملیات نظامی در قندهار تلاش خواهد شد تا ساختار قدرت در این ولایت تغییر نموده و زمینه برای حکومت داری خوب فراهم آید. این کار به نفع قدرت های مسلط بر قندهار نیست و این قوت ها از حمایت آقای کرزی برخوردار اند. به همین دلیل رئیس جمهور با عملیات در قندهار موافق نیست و هرروز به بهانه ای در صدد به تعویق انداختن آنست.

از طرف دیگر تجربهٔ دوران تجاوز اتحاد شوروی به افغانستان نشان داده که عملیات در ولسوالی های اطراف قندهار که به دلیل وجود باغهای انبوه و پوشش گیاهی، برای جنگجویان مخالف زمینهٔ مناسب برای ضربه زدن به نیروهای خارجی و افغان را مساعد می سازد و مجاهدین در قندهار در آن دوره بیشترین جنگ ها را در اواخر بهار و فصل تابستان در این مناطق انجام می دادند.

اکنون اگر عملیات نظامی در قندهار واطراف آن براه افتد، مردم مجبور به ترک خانه ها و روستا ها خواهند شد که از یکطرف حاصل و عاید امسال مردم از باغداری از میان خواهد رفت و از طرف دیگر جنگ طولانی، پر مصرف و پرتلفات بر نیروهای خارجی تحمیل خواهد شد. زیرا ظرفیت نیروهای افغان هنوز درحدی نیست که بتواند تمام مراحل این عملیات را خود به پیش ببرند. حتی اگر کمک ناتو منحصر به حمایت هوائی هم باشد، امکان تلفات ملکی خیلی زیاد است. وقتی نیروهای خارجی مجبور به دخالت مستقیم گردند، حتی در خوشبینانه ترین تحلیل، حالت از مارحهٔ بعد از عملیات مشترک بهتر نخواهد بود.

قندهار برای طالبان در گذشته بقدری مهم بود که در زمان امارت اسلامی، این شهر پایتخت اصلی آنان محسوب می شد و به نظر نمی رسد که اکنون در این اعتبار در نظر آنان کاهشی بعمل آمده باشد. قندهار هرروز شاهد حملات انفجاری و انتحاری است و هرکسی که تمایلی بسوی حکومت نشان دهد، به خطر مرگ مواجه می شود. تا کنون تعداد زیادی از سران قوم و حتی روحانیون در این ولایت به اشکال مختلف کشته شده اند که یکی از آخرین موارد، کشته شدن ولسوال ارغنداب بود.

چالش های موجود موجب گردیده تا این چگونگی و ابعاد این عملیات مشخص نگردد اما از نظر خارجی ها این هم یک ضرورت است که ناتو عملیاتی را در قندهار براه اندازد تا مخالفین مسلح، حذف این عملیات را نشان از قوت خویش بشمار نیاورند و روحیهٔ هواداران دولت در این ولایت تضعیف نگردد.

ضرورت تناسب، معادلت و همنشینی کلمه ها در جمله

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

قسمت دوم و آخری

چشم زنبور عسل پروانه را دید و گفت
عاقبت عشق تو ما را خانه ویران میکند

کلمه پروانه در مصرع اول، عبارت عشق در مصرع دوم را همنشین کرده است. عشق؛ یعنی پروانه که کنایه از شمع بوده، معلوم است که در زمان باستان شمع را از خانه زنبور عسل می ساختند و از اینرو، برای ساختن شمع خانه زنبور عسل را ویران میکردند؛ بدین ترتیب در بیت متذکره واژه های زنبور عسل، پروانه، عشق تو (شمع) و خانه ویران تناسب معنایی پیدا نموده همنشین شده است. در مورد همنشین کردن یک واژه به واژه دیگر باید تناسب و رابطه معنایی کلمه ها جداً در نظر گرفته شود تا به معیار زبان ادبی، اصطلاح سازی، منطق کلام نقص وارد نشود؛ زیرا گفته اند: هر سخن جای و هر نکته مقامی دارد. امروز چیزی که در خصوص زبان ملی و رسمی کشور ما: یعنی پشتو و دری وجود دارد موجودیت واژه های خارجی است که باید برای آنها معادل سراغ گردد که با زبان ما همخوانی و همنشینی داشته باشد. این واژه های خارجی همه ساله از طریق تکنالوژی داخل زبان های ما میگردند و دشواری زبان ما یافتن جانشین خوب و درست است. بی مورد نیست که امروز واژه های خارجی در زبان ما بدون آنکه معادلت پیدا کند داخل زبان گفتاری میگردد: در حالیکه میتوان برای آنها کلمات همخوان و جانشین را تدارک دید. از طرف دیگر بسیاری از واژه های خارجی بدست مردمان عامه کار برد پیدا کرده است؛ در حالیکه واژه سازی و معادل یابی کار اهل فن است نه دیگران. امروز تعدادی از اسم های عربی که با صفت بکار میرود بعد از گذشت زمان تابع دستور زبان دری شده است؛ مانند: ملل زنده، سنوات گذشته و .... بکار گرفتن واژه های فنی، علمی، هنری، اجتماعی و ورزشی واژه های اروپایی فراوان وجود دارد که بدون تغییر داخل زبان گردیده و سلسله این واژه ها ادامه دارد؛ مانند: فلم، سینما، رادیو، تلویزیون، اوت، دانس، کافتریا، کلوپ و .... همچنان بسیاری از واژه هایی که در وزارت خانه ها و موسسه های دولتی بکار میرفت آرام آرام از حالت ساخت عربی آن در حال تغییر میباشد، مانند: مالیه (دارایی)، عدلیه (داد گستری)، دار المعلمین (دانش سرا)، دارالایتام (پرورشگاه)، کمیساریا (کلانتری)، کمیسر (کلانتر)، سناتوریم (آسایشگاه) و .... اما علامت تأنیث عربی در برخی از اسم ها به شیوه عربی وجود دارد، مانند: خادمه، مستخدمه، مدیره، رئیسه وغیره در حالیکه میشود از این علامه تانیث صرفنظر نمود و گفت معلم، رئیس وغیره زیرا در زبان فارسی دری علامه تأنیث وجود ندارد. همچنان یک سلسله ترکیب هایی در زبان فارسی دری وجود دارد که با استفاده از قوانین زبان عربی این گونه بکار میرود:

بر جمله – علی الجمله
بر وجه – علی الوجه
در امکان – علی الامکان
بر بدیهه – علی البدیهه
بر فور – علی الفور
به عجله – علی العجله
بر اطلاق – علی الاطلاق

در این صورت لازم خواهد بود که عوض این ترکیب ها همنشین های قابل قبول را بکار برد. امروز یکنوع مفعول مطلق تاکیدی به شیوه نحو عربی در زبان فارسی دری کار برد پیدا نموده است، مانند گفته یی فردوسی: بخندید خندیدن شاهوار. تاثیر پذیری از جمله های عربی در تقدیم و تاخیر عبارات و عدم پابندی به ترتیب اجزای جمله به شیوه دستور زبان دری، گاهی مفعول را بر فعل و فاعل مقدم ساختن یا تقدم داشتن فعل بر دیگر اجزای جمله که همگی به تاثیر از نحو عربی است هم اکنون در این زبان کار برد دارد. رویهمرفته یک نوع باز نگری در مورد زبان های رسمی کشور که نظام اداری، سیستم آموزش و پرورش، زبان مدارس، مکاتب، دانشگاه ها، مراکز تحقیقی و پژوهشی در کشور است ضروری پنداشته میشود، تا آن تعداد واژه های بیگانه را که میتوان برای آن معادلت پیدا کرد. برایش معادل تعین نمود و واژه هایی که تازه وارد زبان میگردد نیز به داد آنها باید رسید و استعمال آنرا بدست افراد غیر مسلکی نگذاشت، در غیر آن هجوم چنین واژه ها در داخل زبان های رسمی کشور، یک نوع پراگنده گی را در زبان بوجود خواهد آورد.

دست های فتح

شبگیر پولادیان

تا شام یأس می شکند صبحگاه تو
آتش زند به جای سیاهی نگاه تو
چون کهکشان کشیده ره ی دور بر فلک
بنگر رسیده تا به کجا اوج گاه تو
در گیر ودار حادثه خاموش مانده ای
عیب زمانه نیست، بود این گناه تو
آن نعره یی که گوش فلک میشگافت حیف
وامانده د رکرانه ی خاموش چاه تو
جز زورق نشسته به خون نیست حالیا
گردونه ی شکسته عمر تباه تو
از بام چرخ درگذرد سوز ودرد تو
دیوار های شب شکند اشک آه تو
تندیس رنج گشته کنون ناتوان تنت
سنگ ستم شده ست سر بی کلاه تو
تا چند چون جوانه ی پاییز زندگی
در شوره زار یأس بروید گیاه تو
گر من چو تک ستاره درین شام مانده ام
رفته ست زی افق به کجا مهر و ماه تو
در انتظار یاریی دستان دیگران
بنسشته ای اگر: چه بزرگ اشتباه تو
دست مرا بگیر در این بحر موج خیز
راه نجات ماست کنون در پناه تو
این عرصه را حضور تو سرشار می کند
روشن شود زمانه در آن جلوه گاه تو
وزتاروپود خون تو پیوند می خورد
این رشته ی گسسته ی بخت سیاه تو
گر دست های فتح کشایی نبرده وار
رهوار دهر، سرنکشاندز راه تو
دریاست قطره یی که بجوشد به چهره ات
سنگین تر از صلابت کوه است گاه تو
برخیز و با فروغ طلوعت مرا فروز
خورشید سر زده ست ز پشت نگاه تو
فرزند کاوه ای و نژاد تو رستمی است
تاریخ پرشکوه تو باشد گواه تو
وارسته کیست سایقه ی عزم و رزم هات
آزاده کیست اوج درفش سپاه تو
آتشفشان قاف قیام قیامت است
فانوس شام فاجعه را انتباه تو
ایمان سرخ راهبران راه می کشد
از برج های سوخته ی خانقاه تو
خونین درفش راه شهیدان فراز کن!
خامش نگشته گر شرر دادخواه تو
بگذر ز مرز مانع تاریخ سربلند!
هیچ است پیش همت تو کوره راه تو

استاد کاظم کاظمی

گیرودار

هرمیوه ای که دست رساندیم چوب شد
آن آتشی که غیرت صدآفتاب داشت

ما لایق بهار نبودیم،خوب شد
دریک نفس برودت قطب جنوب شد

این گیرودار ماوشما درمیان راه
آفت نبود تا طپش آرزونبود

چون روزه بازکردن پیش از غروب شد
این خانه گرخراب شد ،ازرفت وروب شد

دردا در این میانه درختی که داشتیم
تا با غدیر ما چه کند هرم سرنوشت

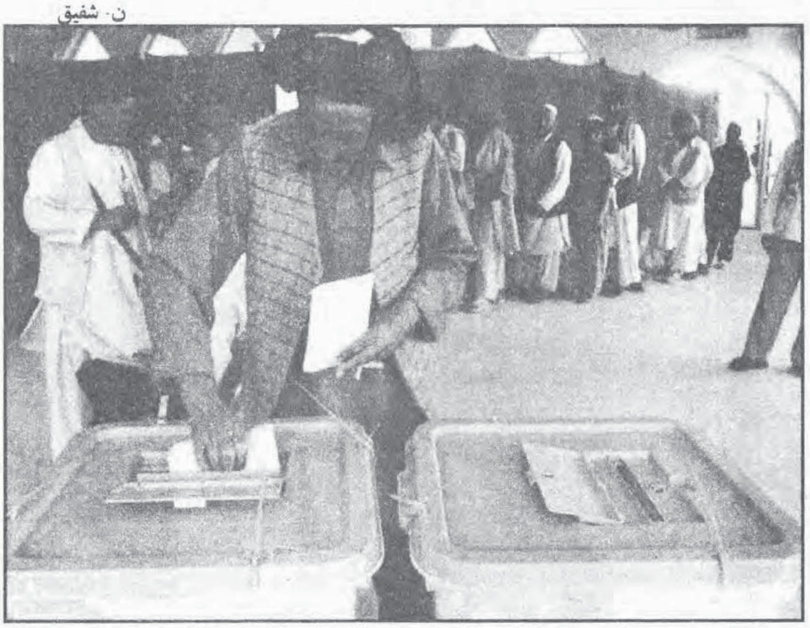
قربانی لجوجترین دارکوب شد
طغیان رود نیل –که دیدم– رسوب شد

د سنبلې د اوه ویشمې نیټې

پارلماني ټاکنې

او د حکومت او نړیوالې ټولنې مسؤلیتونه

ن. شفیق



افغانستان د بن له توافقاتو وروسته دادی د دوهم ځل پارلماني ټاکنو په درشل کې قرار لري. او د ټاکنو د خپلواک کمیسیون د مهال ویش سره سم د چنګاښ په لومړۍ نېټه د ولسي جرګې د نوماندانو وروستی لست اعلانیږي او د سنبلې په اوه ویشتمه نېټه به دغه ټاکنې پداسې حال کې تر سره کیږي چې د هیواد امنیتي وضع له یوې ورځې څخه بلې ته د خرابیدو په لورې روانه ده او د بلې خوا د تېرو ټاکنو د تجاربو په هنداره کې معلومیږي چې اوس هم زمونږ هیوادوال په ټاکنوکې. هر ځل دنه شفافیت او درغلیو لاملـه برخې اخستلوته لیوال ندی او په هغه مینه او کچه اوس د ټاکنو پروسې ته زمونږ هیوادوال لیوالتیا نلري چې په کومه کچه یې د بن د توافقاتو وروسته په لومړنیو او دوهم ځل (ولسمشرۍ او پارلماني ټاکنو) کې علاقه لرله.

په ټاکنو کې د علاقې نه لرلو عمده علت خو همدغه د درغلیو او نه شفافیت شتون دی چې لامله یې هر ځل ټاکنې له مخکني ځل ټاکنو څخه پیکه او بې خونده وي. نو آخر د افغانستان حکومت. خپلواکه کمیسیون. د شکایتونو کمیسیون او په ځانګړې توګه نړیوالې ټولنې ته پکار څه دي چې را تلونکې پارلماني ټاکنې له نورو تیرو ټاکنو څخه ښې اوڼې په ترسره کړي؟

پدې هکله لومړنی مسؤلیت د ولسمشر کرزي دی چې په هره بیه وي راتلونکې ټاکنې پاکې، بې پرې او تاریخي وګرځوي او دا ثابته کړي چې په نږدې تیرو ټاکنوکې چې درغلیو، نیوکې یا تورونه وو. هغه په حقیقت کې دومره نه وو چې د دهٔ د وینا له مخې بهرنیانو څارونکو یې ادعاء لرله اوغوښتل یې چې ټاکنې بدنامې کړي. حکه که ولسمشر کرزی د راتلونکو ټاکنو انجام هم دتیرو ټاکنو انجام ته پریږدي نوبیا به دا ثابته شی چې په رښتیاهم په ټاکنو درغلی او تزویر د ولسمشر کرزي او د هغه د پلویانو ارادد او نوښت وو چې اوس هم په هماغه لاره روان دي. او که یې د هغې پرعکس شفاف او بې پرې ثابت شو نو بیا دغه تور له کرزي څخه پاځیږي او د هغه لخوا نړیواله ټولنه پدې تورنیول چې ګویا ټاکنې یې بدنامول غوښتل. یو حقیقت ثابتیږي.

همدا رنګه دوهم مسؤلیت د ټاکنو د خپلواک کمیسیون او په ځانګړې توګه د کمیسیون د رئیس فضل احمد معنوي په غاړه دی چې په ښوتدابیرو او خبرکانه کړنو او جراتمندانه پالیسیو سره د هر خیانت مخه ونیسي او پریږدي چې د افغان ولس ریښتوني استازي د هیواد را تلونکي پارلمان ته لیاره بیامومی څوله دغه ناکام پارلمان او په ځانګړې توګه ولسي جرګې څخه افغان ولس خلاص کړې چې په خپله تقنیني دوره کې د ښه کردار لوبولو پر ځای یې مانوري کردارونه ترسره کړ چې د وزیرانو د باور رایو د لاسته راوړلو پر مهال یې د پرې نامطلوبې څېرې د ولسمشر له پېرزوینو څخه محرومې کړي که څه هم بیایې هم پوره چاڼ ندې کړی

معنوی باید د انتخاباتو د تر سره کولو لپاره د کمیسیون په نمایندګیو کې په هغو څېرو نظر وساتي چې لاتر اوسه هم د چان لاندې ندې راغلي او په خپلو دندوکې پاتې دي او په خینو ولایتونوکې ګمارل شوي مامورینو په هکله داسې انګیرنې کیږي چې دیوشمیر کاندیدانو خواخوږي دی اویا ورسره اړیکې لري.

او وروستی مسؤلیت په نړیواله ټولنه پریوځي. هغوې چې دموکراسي زمونږ لپاره مسیحا ګڼي او ټاکنې او پکې دولس سرتاسري ګډون د دموکراسي تر ټوله لویه ځانګړتیا او اصل.

نو باید بې پرې څارونکي د ټاکنو د بهیر د څارنې لپاره راولیږي څو په ریښتوني معنا ولسواکي پلې شي او د پاکو او بې پرې ټاکنو له لیارې هغسې استازي پارلمان ته راشي چې د حکومت لخوا په اداري فساد د ښکېلو څېرو او نړیوالو قاچاقچیانو څېرې په پارلمان کې د ولس په ریښتوني استازی ولی سره بربنډې کړي او دیوښه حکومت مینځته راوړلوکې د تقنین. حکومت څارنې او ولس استازیتوب وظیفوي رسالت په پوره جرات. دیانت او لیاقت سره تر سره کړي.

او که چېرې دغه دریواړه جهتونه داخل هم دتیرو تجاربو تعیقبوونکي وګرځي او خپلو مسؤلیتونو ته متوجه نشي نوله یوې خوا به ولسمشر کرزي د ناخوالو سره مخ وي او له بلې خوابه نړیواله ټولنه د خپلو مالي لګښتونو او په لاره اچولو هڅو هیڅ نتیجه لاسته رانه وړي. او د افغانستان په راتلونکې به بیا ولسواکي (دموکراسي) او ټاکنې یوه لوبه او مسخره وي چې افغان ولس به پرې نور هیڅ باور نکړي او ولس به د مخالفینو سره یو ځاې شي.

تراژیدی محاصرهٔ غزه...

از سوی اسرائیل اعمال گردیده است . در این تازه گیها کومندوهای دریایی اسرائیل به کشتی های کاروان آزادی امداد رسان غزه یورش بردند،۲۰ نفر از فعالان صلح را شهید و۵۰ تن دیگر را زخمی ساختند . این حادثه عکس العمل جامعه جهانی ،کشورهای اسلامی ،اتحادیه عرب ، مللی متحد وشورای امنیت را به دنبال داشته است طوریکه موجب قطع رابطه دپلوماتیک ترکیه با اسرائیل گردید ،زیرادر ناوگان امداد رسان ۹ تن از فعالان صلح ترکیه به قتل رسیدند و بازگشت رابطه دپلوماتیک را ترکیه با اسرائیل مشروط به عذر خواهی اسرائیل ،درخصوص حمله به کاروان آزادی ، به عهده گرفتن مسؤلیت این حادثه ولغو محاصره غزه عنوان کرده است ، اما تاکنون از جانب اسرائیل هیچ یک از این شروط عملی نگردیده، بلکه این حرکت را دفاع از خود در برابر حملات فلسطینی ها ی عنوان کرده است .این حادثه سکوت را که در اروپا و جامعه جهانی در خصوص محاصره غزه وجود داشت درهم شکست . بان کی مون دبیر کل سازمان ملل در حمایت از خواست کشورهای عضو اتحادیه عرب درمورد لغو محاصره اقتصادی سرزمین های فلسطین گفت: اسرائیل باید با محاصره غزه فوراً پایان دهد. شورای امنیت سازمان مللی متحد وقوع این حادثه را محکوم و خواهان تفتیش وبررسی درین مورد گردید .درحالی که اسرائیل این جنایت رارد میکند وآنرا دفاع از خود می داند ،در حالیکه کاروان امداد رسانی اسرائیل را به آغاز حمله متهم نمودند. نقطه تونی بلرنماینده گروه چهارگانه صلح ، اسرائیل وفلسطین که متشکل از امریکا ، روسیه ،سازمان ملل واتحادیه اروپا میباشد گفته است که اسرائیل باید ورود کالاهارا به غزه اجازه دهد وبخش خصوصی وقانونی در غزه برای کمک به مردم به وجود آید . اسرائیل موجودیت وحاکمیت حماس در سرزمین غزه را برای خود یک نگرانی بزرگ به حساب می آورد. حمله به ناوه گان آزادی غزه، تمام فعالیت های بازگشت به مذاکره را میان اداره خود گردان فلسطین و اسرائیل به مخاطره انداخته است ، زیرا فعالان صلح از دورترین نقاط جهان جمع شد ه بودند تادر ین ناوگان آزادی غزه شرکت کنند ومحاصره غزه را ازمیان بردارند. اسرائیل خواهان فرار از تحقیات بین المللی این حادثه میباشد.محمود عباس از آمریکا خواسته است تا به تحقیقات بین المللی پیرامون این کاروان ازادی موافقت کند .کاروان نخست شامل ۸ کشتی باربری ترکیه ویونان بود که حاوی کمک های انسانی برای غزه بود که فعالان جنگ از چهل کشور جهان در آن شرکت داشتند وبه تاریخ ۳۱ می اسرائیل انرامورد حمله قرار داد. به گزارش موسسه ء انترنیشنل ایست سینتر کاروان آزادی ۲ بزرگتر ازکاروان اولی درحالی حرکت بسوی غـزه میباشد . پس از حمله به کاروان یک آزادی از سوی اسرائیل ، فعالان صلح انگلیس نیز ازراه اندازی کاروان زمینی ودریایی بسوی غزه پس ازماه مبارک رمضان خبر داده اند .فشار اتحادیه عرب، ترکیه وجامعه جهانی به شکست این محاصره اقتصادی ادامه می دهند، اما دیده میشود که همه چیز وابسته به جناح افراطی حماس درقضیه فلسیطن میباشد تازمانیکه حماس چراغ سبز در برابر اسرائیل نشان ندهد، ازمیان برداشتن محاصره غزه ازسوی اسرائیل کار دشوار خواه بود . درحلیکه حماس بارها مخالفت خودرادربرابر برسمیت شناختن اسرائیل به عنوان سرزمین یهودینشین اعلان کرده است وهر مصالحه را با اسرائیل خروج اسرائیل از سرزمین های اشغالی قبل از سال۱۹۶۷ میداند. عمرو موسی دبیر کل از اتحادیهٔ عرب از غزه از گروههای مختلف فلسطین از جمله حماس دعوت به عمل آورد تادرجهت تحقق صلح واز میان برادشتن محاصره غزه هماهنگ گردند. عمرو موسی به شکست محاصره غزه تأکید کرد و نتیجه نشست وزرای خارجه عرب را شکستاندن محاصره غزه ازجانب اسرائیل بیان داشت. وی گفت که: ما حاضر نیستم حتی یک وجب از خاک فلسطین را به اسرائیل واگذار کنیم.

شکست محاصره بستگی به یک هماهنگی بین المللی و فرقه های رزمی فلسطینی به ویژه حماس میباشد، تازمانیکه این دوعنصر به در یک توافق نسبی قرارنگیرند امکان ازمیان برداشتن محاصره غزه، باوجود فشارهای بین المللی درکوتاه مدت بعید به نظر می رسد.

کشت تریاک در ۲۳ ولایت افغانستان به صفر رسیده است

گزارش از عنایت



چهارم سرطان برابر است با روز مبارزه علیه مواد مخدر، این روز همه ساله در کشور های جهان از جمله افغانستان تجلیل می شود و مقامات مسؤول در رابطه با دست آوردهای خود در امر مبارزه با مواد مخدر داد سخن دهند.

از آن جایی که افغانستان به عنوان بزرگترین تولید کننده مواد مخدر در سطح جهانی شناخته شده است، انتظار می رفت در مدت ۹ سال دولت درهمکاری با جامعهٔ بین المللی با این پدیدهٔ زشت مبارزه جدی و برای همیشه این لکهٔ سیاه را از دامن خود پاک کند.

اما آمار وارقامی که از سوی نهاد های بین المللی گاه وناگاه به نشر می رسد بیانگر آن است که هنوز درصد تولید،کشت وقاچاق مخدر بالا بوده و نگرانی هایی را در سطح ملی وبین المللی به بار آورده است.

روی هم رفته مقامات مسؤول وزارت مبارزه علیه مواد مخدر ونهاد اختصاصی عدلی قضایی، در گفتگو هایی جداگانه با هفته نامهٔ مجاهد از دست آوردها وچالش هایی عمده سخن گفته اند که فشرده آن در این گزارش آماده است. زلمی افضلی سخنگوی وزارت مبارزه با مواد مخدر می گوید:

دولت افغانستان بعد از این که استراتیژی مبارزه علیه مواد مخدر را درسال ۲۰۰۶ در کنفرانس لندن به جامعه بین المللی پیشکش کرد وآن مورد پذیرش قرار گرفت، از آن به بعد همه ساله شاهد کاهش مواد مخدر بودیم که با گذشت هر سال همین اکنون ۲۳ ولایت عاری از کشت مواد مخدر شده است.

آقای افضلی گفت: در جریان این تلاش ها بیش از صد ها نفر را از دست دادیم که تنها طی دو ماه اخیر ۲۵ نفر از پلیس مبارزه با مواد مخدر جان های خود را از دست دادند.

آقای افضلی در پاسخ به سؤالی که دولت چه برنامه های مشخصی را در ولایاتی که عاری از کشت مواد مخدر شده است، روی دست دارد؟ افزود، برنامهٔ (تقدیر از اجرا آت خوب) شاخص اصلی تشویق واراٸهٔ خدمت به مردم از سوی دولت است که به جای کشت مواد مخدر، فرصت های شغلی را برای مردم ولایات عاری از کشت مواد مخدر مهیا می سازد.

ولایات جنوب کشور بخصوص هلمند جایی است که نامش با تریاک گره خورده است. این که آیا دولت افغانستان در آن ولایت توانسته است تولید و قاچاق مواد مخدر را تحت کنترل درآورد ؟ افضلی می گوید: در ولایت هلمند با وجودی که جنگ ونا امنی هایی گسترده، موانع زیادی برسر راه مبارزه علیه مواد مخدر ایجاد کرده است، اما درنتیجهٔ تلاش های پلیس ونیروهای امنیتی، همچنان رسانه ها واقشار مختلف جامعه کاهش قابل ملاحظه یی در کشت وترافیک مواد مخدر رو نما گردیده است.

آقای افضلی با بیان این که، مافیای بین المللی وتروریزم دو روی یک سکه است افزود، ما فیا، تروریزم را امکانات مالی ولوژستیکی می رساند وجنگی که امروز به نام طالبان در کشور ادامه دارد بخشی از جنگ تریاک است که توسط ما فیا وتروریزم بین المللی اجراء می شود.

او با ذکر شواهدی گفت: چندی پیش پولیس در ولایت هلمند عملیات تصفویه یی را انجام داد که در آن از یک خانه هم مواد مخدر به دست آمد وهم واسکت های انتحاری.

آقای افضلی سازمان استخباراتی پاکستان را حامی اصلی تروریزم وقاچاق چیان مواد مخدر عنوان کرد واز همکاران بین المللی خواست تا صادقانه در نبردی که امروز ابعاد جهانی به خود گرفته است، کشور افغانستان را یاری رسانند.

درهمین حال آقای متوکل، رئیس مطبوعات وسخنگوی (ارگان عدلی قضایی) مبارزه با مواد مخدر، در یک تماس تلفنی با مجاهد گفت: طی سال گذشته ۵۹۹ تن ازقاچاق چیان مواد مخدر بعد از دستگیری توسط نیروهای کشفی مرکز عدلی وقضایی به ارتکاب جرایم قاچاق موا د مخدر محکوم نموده است.

وی اضافه کرد، از این میان ۵۰ تن را کارمندان دولتی و۱۹ تن شهروندان کشور های خارجی اند.

آقای متوکل گفت: از وزرا ومعینان دوایر دولتی در بین محکوم شدگان کسی حضور ندارد، اما اشخاص وافرادی از ارگانهای امنیتی که دارای رتبه های بلند نظامی ومدیریتی بودند، محکوم به جزا شدند که قوماندان شاهراه کابل بگرام ومدیر مبارزه علیه مواد مخدر ولایت نیمروز شامل این افراد می باشند.

متوکل افزود،حدود هفتاد نفر تنها در ماه های اول سال جاری محکوم به حبس شدند که دربین این ها شش نفر بنا بر عدم وجود دلاٸلی کافی، براٸت حاصل کردند.

گفته می شود برخی از متهمان به قاچاق مواد مخدر به بیرون از کشور فرارکرده اند. این که دولت افغانستان آیا می تواند آنها را دستگیر کند وبه پنجهٔ قانون بسپارد، رئیس مرکز عدلی وقضاٸی علاوه کرد بدون شک وقتی قضیهٔ شناسایی می شود و متهم به بیرون متواری می گردد، ما به ارگان های کشفی قرار صادر می کنیم ودر امر دستگیری واسترداد آنها نهاد های یاد شده با کشور دومی تماس می گیرند.

امروز پدیده قاچاق مواد مخدر به یک پدیدهٔ بین المللی تبدیل شده است واز راه های مختلف به بیرون از افغانستان صادر می گردد.

راه که مسیر ترافیک مواد مخدر است ، کشورهای آسیای میانه را با روسیه وصل می سازد. آماری که چندی پیش، از سوی سازمان ملل متحد نشر شد، سالانه حدود هفتاد تن مواد مخدر از این طریق وارد کشور روسیه می گردد.

گفته می شود همان گونه که مافیای بین المللی این رقم را به کشور های بیرون صادر می کند، در عین حال می تواند رقم بالا تری از مواد کمیایی را عرض تولید و پروسیس مواد خام به هیروٸین و مورفین به افغانستان وارد کنند. اگر کشورهای دنیا واقعاً عزمی برای مبارزه برضد مواد مخدر دارند، باید زمینه های مصرف مواد مخدر و ترافیک آن را در داخل مرزهای خود بگیرند.

درهمین حال در ولایاتی که گفته می شود کشت تریاک به صفر رسیده است، دولت نتوانسته است فرصت های شغلی ویا کشت بدیل را برای کشاورزان مهیا سازد.

ولایات شمال شرق از جمله بدخشان که مردم آن در اوایل دههٔ هشتاد بنا به نبود زمینه های کار ومعیشت، به کشت مواد مخدر روی آورده بودند، طی چند سال اخیر به طور داو طلبانه از کشت آن دست بر دار شدند .

با توجه به این که بدخشان یکی از ولایت های آرام کشور محسوب می شود دولت نتوانسته است برای مردم فرصت های شغلی ایجاد نماید.

بی توجهی دولت ونبود فرصت های شغلی سبب فقر وتنگ دستی فزاینده شده، در پی کسب نان جوانان را با دل نا خواسته راهی کشورهای همسایه یعنی ایران و پاکستان ساخته است.

حمایت پاکستان از طالبان به گزارش مکتب اقتصادی لندن

بنا به گزارش رسانه ها، گزارشی که به تاریخ ۲۳ جوزای سال روان از سوی مکتب اقتصاد لندن در بریتانیا، دستگاه اطلاعاتی پاکستان - آی اس آی - را به حمایت گسترده از طالبان در افغانستان، متهم کرده و گفته است که همکاری این دستگاه با طالبان، به مراتب گسترده تر از چیزیست که قبلاً تصور می شد. در گزارش آمده است که، آی اس آی به طالبان در افغانستان پول، آموزش و پناهگاه می دهد. و نمایندگان آی ایس آی حتی در جلسات شورای رهبری طالبان شرکت می کنند.

مت والدمن، که نویسندهٔ این گزارش است، می گوید. " ما می گوییم که این (حمایت از طالبان) سیاست رسمی دستگاه اطلاعات پاکستان است و ما می گوییم که (حمایت) بسیار گسترده است."

او می افزاید: "این (حمایت) هم در سطح عملیاتی و هم در سطح استراتژیک است و تا رهبری تحریک طالبان پیش می رود."

آقای والدمن می گوید، با نه نفر از فرماندهان محلی طالبان در افغانستان، اوایل امسال گفتگو کرده است.

به گفتهٔ او برخی از این فرماندهان ادعا کرده اند که نمایندگان آی ایس آی در جلسات شورای رهبری طالبان شرکت می کنند. این فرماندهان طالبان همچنین گفته اند که هدف پاکستان از حمایت از طالبان" خنثی کردن نفوذ هند در افغانستان است."

گزارش مدرسه اقتصاد لندن می گوید: "به نظر می رسد پاکستان نیز ادعا های مبنی بر همکاری دستگاه اطلاعات پاکستان با طالبان را رد کرد.

دولت پاکستان نیز چنین ادعا را از سوی مکتب اقتصاد لندن رد کرده است. اما حکومت افغانستان این گزارش را تأیید کرده است.

اما مدرسه اقتصاد لندن هشدار می دهد که بدون تغییر چشمگیر در بر خورد پاکستان، برای دولت افغانستان و جامعه بین المللی ناممکن خواهد بود تا به نا امنی ها در افغانستان پایان دهند.

تهاجم قانون غرب در کشورهای اسلامی

سید عنایت الله شاداب استاد دانشگاه کابل

اشغال نظامی

استعمار اروپائی تنها با سلطه و هیمنه خود بر اقتصاد کشورهای اسلامی و غارت دارایی های آنان و بهره کشی و به بردگی کشانیدن ملت مسلمان بسنده نکرده، بلکه این غارت وبهره کشی از مسلمانان، عملیه ای بود، زمینه ساز برای برقراری سلطه نظامی در کشورهای مسلمان.

ضعف دولت های اسلامی از یک طرف و نیازها و خواسته های انقلاب صنعتی به مواد اولیه و بازارهای تجارتی که دولت های غربی بدان دست یافته بودند از طرف دیگر و از جانب سوم هم گسترش دادن آنان به منافع اقتصادی خود در خورد جهان اسلام، عالم اسلامی را که با دلائل بی اساس و ادعای باطلی چون همکاری به حکومت های موجود و دفاع از کرامت برخی اتباع اروپایی و یا نشر و پخش تمدن. آماج حملات پیهم استعماری خویش قرار داد؛ زیرا دولت های اروپایی از همان آغاز جنگ های صلیبی(۱۰۹۶ -۱۲۹۱) از این امر خوب آگاهی داشتند که غلبه بر مسلمانان جز از طریق نابودی نیروی حقیقی آن ها - که همان اسلام تمثیل یافته در عقیده و شریعت است - و جز با مخدوش ساختن عقیدهٔ آنان و کنار زدن شریعت در عرصهٔ زندگی از امکان بدور می باشد.

از آنجایی که تعرض به قلب اسلام در آن وقت به خاطر نیرومندی آن. ازامکان بدور بود، اروپائیان ازآغاز قرن پانزدهم میلادی به منظور به محاصره قرار دادن جهان اسلامی - که با اکتشافات جغرافیایی آغاز یافته بود- به حرکت افتیدند این حرکت ولو که در ظاهر، برپایه های علمی استوار می نمود، مگر ماهیت و حقیقت آن، انتقامی بود که می خواستند از طریق نابودی تجارت و دین مسلمانان از آنها بگیرند.

بر همین اساس اولین هدف " فاسکودی کاما" درسفر وسیاحت او، افزون بر از میان بردن تجارت اسلامی، جنگ صلیب در برابر "هلال" در دورترین منطقه این معمورهٔ خاکی بود.

و حتا هر یک از دولت های استعماری تلاش می ورزید عقیدهٔ خویش را پخش و نشر نمایند. هسپانیه و پرتگال به نشر مذهب کاتولیک پرداختند و برتانیه در صدد آن شد که مذهب پروتستان را گسترش دهد

پرتگالی ها بحیث پیش آهنگان این تهاجم اروپایی در پایان قرن پانزدهم (۱۴۸۹) بدون درنگ به جزائر شرقی هند رسیده و اروپائیان بدون رنگ به آن ها پیوستند.

بنا به گفته"دیتس" اندونیزیا به توپی می ماندکه از یک دولت بدولت دیگری رد و بدل می شد.

در این وقت هند، به حیث مرکز امپراتوری مغلی بود.

در پایان قرن شانزده استعمار از طریق کمپنی هند شرقی به پایتخت امپراتوری مغلی خود را رسانیده و به حیث حکمروائی عملی آن مناطق جا بجا شد. آنچه دراین زمینه مایه تعجب وشگفتی انسان را بر می انگیزد این است که یک شرکت چگونه امکان دارد، یک شرکت بیگانه و اجنبی، کشور وسیعی چون هند را که شمار نفوس آن به صدها میلیون بالغ می شود، در زیر سیطرهٔ خود قراردهد؟

این تعجب و شگفتی زمانی رنگ خود را از دست می دهد که از ترکیب ساکنان آن آگاه شویم و ببینیم که چقدر اقوام، ادیان. مذاهب و فلسفه ها در این کشور پهناور زندگی دارند.

> **در پایان قرن شانزده استعمار از طریق کمپنی هند شرقی به پایتخت امپراتوری مغلی خود را رسانیده و به حیث حکمروائی عملی آن مناطق جا بجا شد. آنچه دراین زمینه مایه تعجب وشگفتی انسان را بر می انگیزد این است که یک شرکت چگونه امکان دارد، یک شرکت بیگانه و اجنبی، کشور وسیعی چون هند را که شمار نفوس آن به صدها میلیون بالغ می شود، در زیر سیطرهٔ خود قراردهد؟**

درمیان اقوام این سرزمین نه پیوند قومی وجود دارد و نه هم پیوند دینی.

با استفاده از همین ناهمگونی قومی، انگلستان توانست در اوسط قرن نوزده(۱۸۵۸) هند را تحت سیطرهٔ خود در آورده وآن را جزء امپراتوری خویش به شمارگیرد که ازقوانین انگلیس اطاعت می نماید.

البته بعد از این که توانست انقلاب (۱۸۵۷) مسلمانان را در اثر خیانت هندوها - که انگلیس ازطریق تطمیع آنان به مال و منصب و تخویف شان از بازگشت مسلمانان به قدرت سیاسی - مواجه به شکست سازد.

همین امر منجر به آن شد که فراخوان ایجاد دولت مستقل اسلامی به میان آید که درنهایت درسال ۱۹۴۷ دولت اسلامی پاکستان به وجود آمد.

پیامد این امر الغاء شریعت وکنار زدن آن از عرصه تطبیق در هند بوده و هند اولین کشور اسلامی بود که چنین عملی در آن مرعی الاجراء و واجب التنفیذ گردد، هندی که حتا در دوران سلطهٔ انگلیس هم تا سال (۱۸۹۱) حدود اسلامی در دست اجراء قرار داشت بعد از تاریخ یاد شده قوانین وضعی انگلیس جایگزین قوانین اسلامی گردیده و قوانین اسلامی تنها در احوال شخصی محدود بود وبس.

آری! در وقتی که دولت استعماری انگلیس سیطرهٔ خود را برکشورهای اسلامی در شرق آسیا (اندونیزیا وهند) تحکیم بخشیده بود، تلاش به خرج می داد که مناطق خلیج فارس را در دائره نفوذ خود درآورد تا از یک طرف قدرت و قوت مسلمانان را درهم کوبد و از جانب دیگر از فشار دولت امپراتوری عثمانی در اروپا بکاهد وتجارت آنان را در بحر هند و خلیج فارس تخریب و مواقع استراتیژیک این مناطق را بدست آورد تا از آن در تحقق اهداف استعماری آن استفاده کند.

دولت های اروپایی به خاطر اهمیت استراتژیک خلیج در راه رسیدن به هند و پیدا کردن جای پای به رقابت پرداختند تا از آن جا به حیث پایگاه در جهت سیطره بر این منطقه، حرکت نمایند.

پرتگالی ها از اولین دولت های اروپایی بودند که در این منطقه پا گذاشته و مناطق نفوذ خود را از آغاز قرن شانزده (۱۵۰۶) در این منطقه ایجاد کردند.

سپس هالندی ها در همکاری با انگلیس در طرد پرتگالی ها از خلیج، بعد از شکست شان در جنگ هرمز(۱۶۲۵م) وارد این منطقه شدند. در این وقت کشمکش و نزاع بین هالند و انگلیس که توانسته بود فارس را در چند جنگ برضد مراکز هالندی، با خود داشته باشد شدت کسب کرد و آن ها را وادار ساخت تا منطقه را ترگ گویند(۱۷۶۵).

هکذا انگلیس توانست طمع ورزی های فرانسه، آلمان و روسیه را در رسیدن شان به این منطقه، از طریق معاهدات حمایت و دوستی با شیوخ منطقه و تعهدات با قبائل دفع نماید. برتانیه از اوائل قرن نوزده به بعد توانست که منطقه خلیج فارس را در زیر چتر نفوذ درآورد.

جمعیت اسلامی افغانستان و دریافت...

۲ـ جمعیت اسلامی واقعاً یک حزب ملی و سراسری است و نه ادعایی! همگان چه دوست و همسو و چه مخالفین قبلی و یا کنونی، اعتراف دارند که جمعیت اسلامی از سالیان دراز بدینسو به حیث یک حزب فراگیر و افغانستان شمول شناخته شده و فعالیت دارد.

دارالانشای جمعیت اسلامی، خواست تا یک کاپی از فورمه های ارسالی وزارت عدلیه را به همه ولایات کشور بفرستد تا تعدادی از اعضا و حامیان جمعیت از هر ولایت و از هر قوم و زبان و مذهب شامل امضا کنندگان فورمه ها باشند، ورنه جمعیت می توانست از یک ولایت کشور- چه شرق یا غرب و یا شمال و یا جنوب ـ به تعداد ده عزار فورمه را آماده سازد.

۳ـ ولایات شرق و جنوب کشور پیشتر و بیشتر از سایر ولایات، اقدام کردند و در این راه پیشگام شدند که دارالانشای جمعیت از تلاش و زحمت این برادران و خواهران سپاسگزار است. سایر ولایات نیز یکی پی دیگری فورمه ها را فرستادند و ما تا تاریخ و موعد مقرر، توانسته بودیم بیش از پانزده هزار فورمه را جمع آوری و آمادهٔ تقدیم به ریاست انسجام نمائیم. این روند تا کنون ادامه دارد و به مرز بیست هزار رسیده و مکرراً از ولایات خواهش شده که فورمه های دیگر را نفرستند و در دفاتر نمایندگی محفوظ دارند. زیرا نه ریاست انسجام بیش از تعداد مقرر را می پذیرد و نه دارالانشای جمعیت محل مناسبی را برای نگهداری آن دارد.

۴ـ مشکل دیگر که در واپسین روز ها مطرح گردید، ارائهٔ فهرست بنیان گذاران جمعیت است. چون جمعیت اسلامی دارای پیشینهٔ بیش از چهل دهه است و بنیان گذاران آن شهید و پدرود حیات گفته اند، فقط یکتن از آنان (پوهاند ربانی) الحمدلله در قید حیات است و ممکن نیست که امضای موسسین این حزب به آن ریاست تقدیم شود.

۵ـ طبق دستور، بایست در ذیل فورمه های امضا شده توسط اعضا، کارمند با صلاحیت حزب نیز امضا کند و امضای او از سوی رئیس حزب تأیید و رسماً به ریاست انسجام معرفی شود.

چون از سوی رهبر جمعیت، به رئیس دارالانشاء تفویض صلاحیت شده که برای ثبت مجدد جمعیت اسلامی درخواست بدهد و همه اوراق و اسناد مربوط را امضا نماید؛ پس امضای بیش از ده هزار فورمه توسط یک شخص و آنهم در روز های پایانی مهلت مقرر، امکان پذیر نبود و به جای امضاء از مهر نام رئیس دارالانشاء استفاده شده بود. این امر نیاز مجدد به معرفی مهر نام رئیس دارالانشاء داشت که طی نامهٔ رسمی به امضای رهبر جمعیت به ریاست انسجام فرستاده شد.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

تور لست!

ص۲

کنفرانس کابل

آمادگی ها و چالش ها

ص۲

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ یازدهم ۲۹ جوزای ۱۳۸۹ ۷ رجب المرجب ۱٤۳۱ - 19 Jun 2010

پوهنمل محمد نسیم فقیری

جمعیت اسلامی و دریافت مجوز دوباره

جمعیت اسلامی افغانستان به حیث بزرگترین حزب سیاسی کشورما، نقش مهمی در تحولات سیاسی کشور داشته و دارد. جمعیت پس از انتقال متمدنانهٔ قدرت که در تاریخ سرزمین ما یک استثنا و در تاریخ منطقه و جهان کم نظیر بود، آمادگی خویش را برای کار فکری ـ سیاسی و در مطابقت با احکام قوانین اعلام نمود و ثابت ساخت که هدف عمدهٔ آن قرار گرفتن در رأس قدرت سیاسی و حکمرانی نیست، بلکه مانند گذشته ها آمادهٔ کار، مبارزه و خدمت برای وطن و هموطنان در کنار دیگران است.

همان بود که با انفاذ قانون اساسی جدید و قانون احزاب سیاسی، برای دریافت مجوز فعالیت، به وزارت عدلیهٔ جمهوری اسلامی افغانستان مراجعه کرد و این مجوز در ثور ۱۳۸۴ صادر و دریافت گردید.

سال گذشته نیز وزارت عدلیه تصمیم گرفت تا برای ثبت احزاب سیاسی و سازمان های اجتماعی مقررات جدید را وضع کند و به احزاب و سازمان های یاد شده اطلاع داده شد تا شرایط قانونی را برای دریافت مجوز تکمیل نمایند.

با تأسف که ریاست انسجام، بررسی و ثبت سازمان های اجتماعی و احزاب سیاسی، آدرس دفتر مرکزی جمعیت اسلامی را به درستی در اختیار نداشت و نامه را به آدرس پنج سال قبل جمعیت فرستاده و به آن ریاست برگشته بود!

ماه ها بعد و در اثر تلاش دو جانبهٔ جمعیت و آن ریاست، همان نامه در یافت شد و کار برای تکمیل شرایط قانونی خیلی دیرتر از موعد مقرر آغاز گردید. درین رابطه مشکلاتی فرا راه جمعیت ـ و شاید احزاب دیگرـ قرار داشت که به برخی از آن اشاره می شود:

۱ــ لازم بود تا در کنار امضای فورمه های عضویت، کاپی تذکره یا کارت رأی دهی امضا کنندگان نیز جمع آوری و ارسال می شد که در هفته ها و ماه های اول برخی از نمایندگی ها و افراد ما در سطح کشور متوجه این امر نشده بودند و فقط فورمه ها را به مرکز فرستاده بودند! این امر موجب شد تا صدها فورمه عودت داده شود و توأم با کاپی های تذکره و یا کارت رأی دهی، دو باره به مرکز فرستاده شود. طبیعی است که این رفت و بر گشت، زمانبر بود و ما نتوانستیم که به زودی مراحل دیگر را آغار و به پایان برسانیم.

ص ۶

عملیات قندهار، در مواجهه با چالش ها

ص ۳

د سنبلې د اوه ویشمې نېټې

پارلمانی ټاکنې

او د حکومت

او نړیوالې

ټولنې

مسؤلیتونه

۵ مخ

نه ولسوالی در افغانستان امنیت دارد



بعد از استعفای آقای اتمر از وزارت امور داخله، منیر منگل سرپرست این وزارت گزارشی را از وضعیت امنیتی کشور به دسترس رسانه ها قرار داد و مدعی شدکه گویا از بیش از ۲۶۰ ولسوالی افغانستان تنها ۹ ولسوالی آن از امنیت کامل برخوردار است.

در سراسر افغانستان که ۳۶۴ واحد اداری به نام ولسوالی می باشد، به گفتهٔآقای منگل، ۳۵۵ آن سراسر به عنوان مناطق پرخطر شناخته شده اند.

براساس اظهارات سرپرست وزارت داخله، از مجموع ولسوالی های پرخطر، ۱۱۴ با خطر جدی روبروست و بقیه، از نظر تهدیدهای امنیتی، در ردیف متوسط و پایین قرار دارند.

در حالی که حدود سه ماه به برگزاری انتخابات مجلس نمایندگان باقی مانده است اعلان بی امنیتی از جانب مسوولان امنیت کشور، مایهٔ نگرانی باشندگان کشور را بیشتر می سازد. و جلو توسعه و پیشرفت در تمام عرصه ها را می گیرد.

گمانه زنی هایی وجود دارد که شاید حکومت قصد راه اندازی انتخابات را نداشته باشد و با نشان دادن ناامنی در سراسر کشور، زمینهٔ برگزاری انتخابات را سلب کند درغیر آن اعلان چنین ناامنی سراسری از جانب وزارت داخلهٔ کشور، هیچ توجیهی نمی تواند داشته باشد، چون اعلان چنین وضعیتی زیان دولت و باشندگان این مرزوبوم است.

حمایت پاکستان از طالبان، به گزارش مکتب اقتصادی لندن

ص ۶